

قائم مقام دبیر کل حزب مؤتلفه اسلامی:  
**غربی ها در حال بازی پرده  
آخر شکست خود هستند**

دبیر کل حزب مؤتلفه اسلامی:  
**احزاب و شخصیت های سیاسی  
دهه فجر را فرصتی  
برای وحدت ملی بدانند**



## حضور امام خامنه ای در مرقد مطهر امام راحل و گلزار شهدای بهشت زهرا (س)

حضرت آیت الله العظمی خامنه ای همچنین بر مزار شهید مدافع امنیت آرمان علی وردی و تعدادی از شهدای مدافع حرم، شهدای گمنام و شهدای مدافع سلامت نیز حضور یافتند.

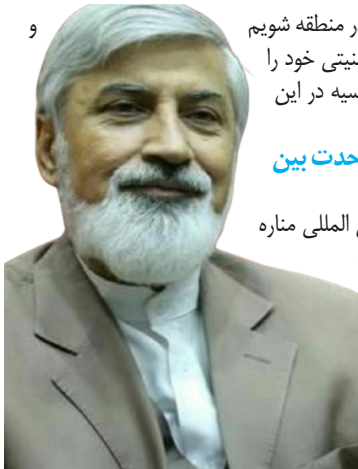
رئیس معظم انقلاب اسلامی سپس با حضور در مزار شهدای حادثه هفتم تیر و شهدای انفجار دفتر نخست وزیری در هشت شهریور سال ۱۳۶۰ یاد شهدای بهشتی، رجایی و باهنر و یاران شهیدشان را گرامی داشتند.

در آستانه ایام الله دهه فجر و چهل و چهارمین سالگرد پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی، حضرت آیت الله العظمی خامنه ای رهبر معظم انقلاب با حضور در حرم امام خمینی (ره) یاد و خاطره پیمانگذار جمهوری اسلامی ایران را گرامی داشتند.



قائم مقام دبیر کل حزب موتلفه اسلامی:

# غربی ها در حال بازی پرده آخر شکست خود هستند



ما ایجاب می کند که مانع پیشروی ناتو در منطقه شویم اجازه ندهیم که آن ها سلطه نظامی و امنیتی خود را بر منطقه گسترش دهند و به قدرت روسیه در این منطقه نزدیک شوند.

## نقش رسانه در تحکیم و تعمیق وحدت بین مسلمانان

حمیدرضا ترقی در حاشیه کنفرانس بین المللی مناره که با موضوع وحدت اسلامی و رسانه های جهان اسلام در حال برگزاری است گفت: رویش های رسانه ای جهان اسلام در سه دهه اخیر نوید بخش است.

عضو موسس اتحادیه فعالان سیاسی جهان اسلام در حاشیه کنفرانس فوق که با حضور میهمانان خارجی

و رسانه ای در تهران برگزار شد تصریح کرد: نقش رسانه در تحکیم و تعمیق وحدت بین مسلمانان و کاهش اختلافات با توجه به پیشرفت تکنولوژی رسانه و ارتباطات بسیار افزایش یافته ،لذا همانطور که دشمنان از رسانه هایی مثل اینترنتشال و... برای تفرقه افکنی و تضعیف وحدت اسلامی فعالیت می کنند ، باید رسانه های معتقد و پایبند به وحدت امت اسلامی تلاش کنند از طریق تولید فیلم و سریالهای فاخر مثل یوسف پیامبر ، مردان انجلس، حضرت سلیمان و محمد رسول الله ص و اخیرا موسی و سلمان فارسی ملت های مشتاق معارف اسلامی و قرآن را جذب کنند .

قائم مقام دبیر کل حزب موتلفه اسلامی تاکید کرد: امروز در جنگ رسانه ای با دشمن ، تبلی و کم تحرکی و عدم نوآوری، قابل پذیرش نیست. وی ادامه داد: فضای مجازی رشد تصاعدی دارد، و در حال همبسته کردن شهروندان منفرد است و این فرصت مغتنمی است برای توسعه شبکه اجتماعی اهل ایمان در برابر دشمن .

امروز که در حال بازی پرده پایانی شکست خود هستند بار دیگر ممکن است به مذاکره روی بیاورند. آن ها سعی کردند که مذاکرات را به عنوان برگ آخر برای خود حفظ کنند و همه پل ها را پشت سر خود خراب نکنند. در عین حال من امیدوی به شکل گیری دوباره مذاکرات و تاثیر بر حل و فصل مسائل کشور ندارم. جز اینکه فقط از طریق خنثی کردن تحریم ها باید با فشارهای غرب مقابله کنیم

حمیدرضا ترقی قائم مقام دبیر کل حزب موتلفه اسلامی در گفت و گو با همشهری آنلاین گفت: ایران می تواند با توسعه روابط اقتصادی، تجاری و امنیتی با روسیه اتحادیه یا تفاهم اقتصادی منطقه ای با قدرت های شرقی و آسیایی شکل دهد. مشروح این گفت و گو را پیش رو دارید؛

جمهوری اسلامی و به ضرر سلطه غرب در حال کامل شدن است. البته باید موانع آن در داخل برطرف شود و در عرصه بین المللی نیز این تقابلهای و دشمنی ها همچنان ادامه خواهد داشت و نباید به آن ها توجهی کرد. این مسیری است آینده جهان به آن نیازمند است.

برخی معتقد هستند نزدیکی ایران به روسیه در آینده باعث می شود تبعات جنگ اوکراین دامن گیر ایران نیز شود. به نظر تان نقش ایران در این میان چطور باید باشد؟

تبعات جنگ تقریباً همه جهان را تحت تاثیر قرار داده است. تامین کننده نزدیک به ۴۰ درصد غلات منطقه روسیه و اوکراین هستند و موضوعات دیگری همچون گاز و انرژی و غیره نیز وجود دارد. بنابراین کشورهایی که تلاش می کنند تا جنگ ادامه پیدا کند کمک می کنند تا این معضلات نیز ادامه پیدا کند. بنابراین موضع جمهوری اسلامی به طور طبیعی مخالفت با این جنگ است. همچنین جمهوری اسلامی مخالف توسعه طلبی های ناتو برای ورود به حوزه امنیتی روسیه را نیز تحریک کننده جنگ می داند.

متأسفانه آمریکا و ناتو عامل اصلی بروز این جنگ و جدال است. ما نیز با باید در مقابل سیاست های توسعه طلبانه ناتو ساکت باشیم و عقب بنشینیم یا همانطور که مخالف توسعه طلبی دیگر کشورها هستیم و معتقد هستیم که باید حقوق ملت ها به رسمیت شناخته شود باید در مقابل این حرکت ناتو نیز بایستیم. چراکه اگر این باب و دروازه به روی ناتو باز شود گریبان بسیاری از کشورهای منطقه را خواهد گرفت و نظم جهانی که مورد نظر ماست تحقق پیدا نخواهد کرد. بنابراین طبیعی است که منافع ملی و منطقه ای

## حرکت از نو

مصوبه اخیر مجلس نمایندگان آمریکا در حالی صادر شده است که دستگاه های اطلاعاتی و امنیتی آمریکا خیر از توفیق ملت ایران در عبور از فتنه جدید دادند. بساط ضدانقلاب از کف خیابان جمع شده و دشمن مشغول محاسبه هزینه ها، تلفات و اشتباهات جدید خود است

محمد کاظم انبارلویی

عضو شورای مرکزی حزب موتلفه اسلامی

۱- پنجشنبه گذشته اعضای مجلس نمایندگان آمریکا مصوبه ای را در حمایت از اغتشاش و آشوب در ایران و حمایت از اراذل و اوباش و تجزیه طلبان به تصویب رساندند.

این مصوبه ۴۲۰ رأی موافق و فقط یک رأی مخالف داشت.

قانون گذاران آمریکایی از هر دو حزب دموکرات و جمهوری خواه در صفحات شخصی خود در توئیتر از این مصوبه حمایت کردند!

این مصوبه نشان می دهد که دسیسه ها و توطئه های سیاه پنتاگون و وزارت خارجه علیه ملت ایران در مجلس نمایندگان آمریکا از حمایت یکپارچه و قوی برخوردار است و تمامی ندارد. این مصوبه در حالی صادر شده است که دستگاه های

اطلاعاتی و امنیتی آمریکا خبر از توفیق ملت ایران در عبور از فتنه جدید دادند. بساط ضدانقلاب از کف خیابان جمع شده و دشمن مشغول محاسبه هزینه ها، تلفات و اشتباهات جدید خود است.

۲- خداوند رحمت کند امام خمینی را یک وقتی در اوج شرارت آمریکا علیه ملت ایران فرمود: «با چشمانی باز به دشمن خیره شوید و آنان را آرام نگذارید که اگر آرام گذارید، لحظه ای آرامتان نمی گذارند»

مصوبه مجلس نمایندگان آمریکا پس از عقب نشینی اتحادیه اروپا از مصوبه خود مبنی بر ترور بست اعلام کردن سپاه نشان می دهد دشمن در ترازوی وزن دشمنی حاضر نیست حتی گرمی از آن کاسته شود.

۳- نزدیک به یک سال است از جنگ اوکراین می گذرد. موج اعتصاب و آشفته گی اقتصادی از آمریکا و اروپا تا کانادا، زیر سایه جنگ اوکراین به وضوح دیده می شود. بحران انرژی و افزایش قیمت ها مدام مشغول رکوردزنی است. بی ثباتی دولت ها در برابر این موج هر روز خود را

در کف خیابان نشان می دهد. هیچ خبری مبنی بر پایان جنگ اوکراین شنیده نمی شود. ممکن است در آینده بیابنه پراکنی و مصوبات تراشی برای تشفی خاطر دشمن ادامه یابد. این صداها پژواکی در هیچ جای جهان ندارد.

۴- گفتمان «ایران قوی» پاسخ همه واکنش ها، به مقوله «حرکت از نو» تلاطم دشمنی های آمریکاست. ایرانی ها خود را برای برپایی جشن های چهل و چهارمین سال پیروزی انقلاب آماده می کنند. قرار بود با فتنه های رنگارنگ دشمن، خبری از انقلاب نباشد. اما امروز جهان

شاهد آن است ما هستیم و دشمن همچنان به حرکت کاغذی خود بر روی صفحات ، تحریم ها و مصوبات بی حاصل ادامه می دهد. تحرکات دشمن از هر زمان بوی و سوی خود را از دست داده است و این روند ادامه دارد. نمودار تاریخی ۴۴ سال گذشته نشان می دهد ملت ایران با یاد خدا آرام می گیرد و آمریکا و دشمنان اسلام با یاد شیطان هر روز آشفته تر و بحرانی تر به سمت فروپاشی پیش می روند.

۵- امروز نخبگان جهان به نقش لیبرال ها و نئولیبرال ها در ظهور بحران های سیاسی ، اقتصادی ، اجتماعی و تشدید نابرابری جهان واقف شده اند راه برون رفت از این معرکه را مقابله با آمریکا می دانند. همین هفته گذشته نوام چامسکی، اندیشمند آمریکا جمله ای شنیدنی گفت. او فریاد زد: «لیبرالیسم فقط یک افسانه است. آمریکا از درون دچار فروپاشی است. دموکراسی در آمریکا معنا ندارد و کشور در دست طبقه سرمایه دار است.»

۶- مردم جهان طلوع انقلاب اسلامی را نقطه امید برای رهایی از شیطان بزرگ یعنی آمریکا می دانند و در این طلوع ، غروب امیدهای کاذب به غرب دیده می شود.

این مسیر درست، حرکت تاریخ در عصر ماست. هیچ حادثه ای نمی تواند این مسیر را تغییر دهد. دهه فجر فرصتی برای اندیشیدن در مورد عبور از مهم ترین، بزرگترین و پرچالش ترین گرده تاریخ بشر است. بال های اندیشه متفکران جهان در این زمان و زمین برای این عبور پرواز می کند. هیچ اراده تاریخی نمی تواند جلوی این پرواز را بگیرد.

دبیر کل حزب مؤتلفه اسلامی:

## احزاب و شخصیت های سیاسی دهه فجر را فرصتی برای وحدت ملی بدانند

مسلحانه در سرزمین فلسطین را نتیجه اقدامات رژیم غاصب و غیر قانونی صهیونیستی و رفتار جنایتکارانه سران این رژیم کاذب دانست.

وی گفت: ملت فلسطین راه جهاد اسلامی را شناخته و شجاعانه در اخراج اشغالگران صهیونیست از سرزمین خود، اقدامات گسترده تری را انجام خواهد داد و این حق ملت قهرمان فلسطین در برابر اشغالگران سرزمین آنها و تخریب کنندگان خانه های آنهاست.

وی افزود: آنها دریافته اند که سازمان های بین المللی و دولت های غربی، دلسوز آنها نیستند و مزدوران صهیونیست رارها نمی کنند.

بادامچیان تاکید کرد: مسلح کردن صهیونیست ها، خط جهاد و شهادت را گسترده تر خواهد کرد.

دبیر کل حزب مؤتلفه اسلامی در ادامه از حادثه سفارت آذربایجان اظهار تاسف کرد و متذکر شد که این گونه رویدادهای ناگوار نباید در روابط صحیح دو ملت ایجاد مشکل نماید.

بادام چیان در بخش دیگری از

این گفت و گو برگزاری کنگره

بین المللی زنان تاثیر گذار را

اقدامی شایسته دانست و به

دست اندرکاران آن تبریک

گفت و ایرادات بهانه جویانه

برخی را رد کرد و اظهار داشت:

این ابتکار را باید گرامی داشت و

آنها تکامل بخشید. عصبانیت غرب

پس از اقدام ناشیانه آنها در رای به

عدم حضور ایران در کنفرانس زنان سازمان ملل از این کنگره، نشانه اثرات مثبت آن است.

دبیر کل حزب مؤتلفه اسلامی در ادامه گفت: غرب دچار سرگیچی سیاسی در امور بین الملل شده است و اقدام

احمقانه در اهانت به نبی مکرم اسلام (ص) و قرآن مجید و حمایت نخست وزیر سوئد به بهانه آزادی بیان، نشانه افول غرب و شکست سیاست های اسلام ستیزانه و دشمنی با

خیزش بیداری اسلامی است و در همین زمان، دو نماینده مجلس ایران مهندس میر سلیم رئیس شورای مرکزی

حزب مؤتلفه اسلامی و سردار کوثری را به علت بیان نظرات تحریم می کنند، همان طور که در آمریکا، کشتن

زجرآور یک جوان سیاهپوست توسط پلیس نژادپرست آمریکا نمونه ای از خطاهای بزرگ سیاسی حاکمان آمریکاست.

وی در ادامه اظهار داشت: ارسال سلاح و مهمات به اوکراین، نمونه دیگری از تبهایی غرب است زیرا آمریکا دارد اروپا و ملت مظلوم اوکراین را قربانی مطامع استعماری و

سلطه گری خود می کند و الا همه می دانند که اوکراین از این جنگ جز زیان و خرابی و کشتار مردم نتیجه ای نخواهد

داشت. بادامچیان در پایان از ملت بزرگ اسلام خواست در ماه رجب برای رفع مشکلات مسلمانان و اصلاح امور آنها

دعا کنند.

شفاف عمل گردد و همچنین دولت تبدیل به نهادی برای کسب درآمد و تجارت و صنعت نشود.

وی افزود: مولد سازی باید آفرین و اشتغال ساز و غیر دولتی باشد.

مصو نیت قضایی برای

مجر یا ن طرح موجب

بی اعتمادی

عراقی و مرحوم عسگر اولادی و شهیدان مطهری و بهشتی و دیگر یاران

مدیریت هوشمندانه انقلابی را در ستاد استقبال و تامین امنیت

ورود امام (ره) در مدرسه رفاه و علوی و در خدمت نظام

جمهوری اسلامی بکار گرفته است.

وی ادامه داد: با همین خط مشی و روحیه

به استقبال گام دوم انقلاب اسلامی

رفته و تلاشمان را بر وحدت

نیروهای انقلاب داشته و حفظ

خواهیم کرد و ان شاءالله با همت ملت و هدایت امامت، نظام به قله پیشرفت خواهد رسید.

وی افزود: تحریک و تهدید خارجی و تحدید اقتصادی مانع حرکت رو به جلوی انقلاب اسلامی نخواهد بود.

بادامچیان همچنین گفت: از احزاب و شخصیت های سیاسی می خواهیم این ایام را فرصتی برای وحدت ملی

بدانند و با صدور بیانیه هایی از مردم که رکن اصلی نظام هستند، برای نمایش عظمت انقلاب اسلامی و همبستگی

ملت ایران دعوت نمایند.

وی تاکید کرد: اکنون ملت ایران از فتنه سخت دیگری با بصیرت و هوشیاری و رهبری امام خامنه ای عبور کرده و

اقتدار و استقامت خود را اعلام کرده است.

دبیر کل حزب مؤتلفه اسلامی در ادامه از ابتکار خانه احزاب ایران برای برگزاری نشست بررسی انتخابات تشکر کرد و

گفت: همایش اخیر با موضوع آسیب شناسی دو انتخابات اخیر، نشان داد خانه احزاب، با ریاست اصولگرایان محل وفاق و گفتگوی احزاب شده است.

بادامچیان در بخش دیگری از این گفت و گو در خصوص مصوبه شورای عالی سران قوا مبنی بر هیات عالی مولد

سازی دارایی های دولت اظهار داشت: البته دولت باید جلوی رشد نقدینگی، خلق پول، افزایش پایه پولی و

استقراض از بانک مرکزی را بگیرد و از طرفی نباید غیر

مردم می شود و بهتر است مولد سازی در یک اتاق شیشه ای انجام شود و باید نسبت به عملکرد و اختیارات وسیع

هیئت مراقبت گسترده و جدی وجود داشته باشد.

دبیر کل حزب مؤتلفه اسلامی در ادامه ضمن ابراز همدردی با مردم شریف آذربایجان و شهر خوی در زلزله اخیر گفت:

حزب مؤتلفه اسلامی با تمام توان در کنار هموطنان زلزله زده خواهد بود.

وی ضمن تشکر از دولت محترم و وزیر کشور که به صورت میدانی و موثر پیگیر حل مشکلات مردم در این منطقه

بوده اند از مسئولین خواست با توجه به وضعیت جوی از مشارکت های مردمی برای کمک به وضعیت زلزله زدگان

استفاده کنند.

وی همچنین از نیروهای انقلاب و مردمی سپاه و بسیج که همیشه پای کار ملت هستند، تشکر ویژه کرد و گفت: همین

رفتارهای انقلابی و مردمی و درگیر شدن عزیزان بسیجی و سپاهی در عمق زندگی و مشکلات مردم، آنها را بین

ملت عزیز داشته است و عزیزتر خواهد نمود و دشمنانشان را رسوا می سازد.

دبیر کل حزب مؤتلفه اسلامی همچنین بازدید ولی امر مسلمین از توانمندی های داخلی را موجب تشویق بیشتر و

بهبتر دانشمندان داخلی دانست. دبیر کل حزب مؤتلفه اسلامی در بخش دیگری از این گفت و گو عملیات



چهارمین گفت و گوی مکتوب دبیر کل حزب مؤتلفه اسلامی و مدیرمسئول روزنامه شرق؛

# بادامچیان: در فتنه و اغتشاش اصلاح طلبان کاملاً مردود شدند

اصلاح طلبان از این پس زیر بمباران سؤال‌های مردمی درباره موضعشان به سقوط نهایی می‌رسند؛ همان طوری که اصلاحات و جریان اصلاح طلبی از نظر سیاسی و مردمی، مرده است و اینها هم به موزه تاریخ می‌پیوندند

ضمن آنکه می‌توانید کل طیف را هم به واکاوی دعوت کنید و باز اینجانب استفاده خواهم نمود. این واکاوی به اینکه تشکل‌ها و جناح‌های دیگر در کشور دیدگاه‌های دیگری دارند یا ندارند ربطی ندارد. چه آن تفکرات موجب انسداد سیاسی آنها شده باشد یا نباشد. به هر حال در نظام آزاد جمهوری اسلامی همه نوع نگاه و نگرش و اندیشه و جریان و جناح فعال اند مثل خود شما و ما که فعالیت داریم. معتمد در هر مورد موضوع را مشخص کنیم تا به نتیجه مورد نظر برسیم و دچار پراکندگی نشویم. مشخص بودن موضوع بر اساس نتیجه مورد نظر، بحث‌ها را در مسیر صحیح قرار می‌دهد و به نتیجه می‌رساند. من بر اساس وظیفه دینی خود و بر مبنای خط مورد باور و مورد نظر بارانم چون مرحوم عسگر اولادی برای شما و طیف شما و روزنامه شرق خیراندیشی کردم. منافع مادی، جناحی و بدوستان‌های سیاسی برایم مطرح نبوده و نیست.

رویدادهای جاری و فتنه اخیر نشان داد که درست عمل کرده‌ام. خدا را شاکرم. دو نامه بعدی من که در همین راستا و در جهت خیر خواهی و در چارچوب خط حاکم بر انقلاب و نظام که خط امامین انقلاب و ارزشگرایی است و پاسخ برخی نگاه‌ها و مطالبی که نوشته بودید. در فرهنگ و منش سیاسی اینجانب نظر مهم از امیر مؤمنان (علی‌ع) است که به مالک فرمود: قلبت و جانت راز محبت مردم لبریز کن زیرا آنها یا خ لک فی الدین، برادر دینی تو هستند یا شبیه لک فی الخلق یا مانند تو انسان هستند. من کل بنی آدم را اعضای پیکره انسانی می‌دانم که قرار این اعضا در رفع دردها و رنج‌های آنان است. بنابراین برای همه از جمله شما و جریان و طیف وابسته به شما خیراندیشی می‌کنم. این فرهنگ و منش برخاسته از اسلام علوی است و از فرهنگ شهروندی شما که بر اساس تفکر غرب است برتر است. تکرار مکررات هم نمی‌کنم سه نامه من و سه پاسخ شما در معرض قضاوت خوانندگان محترم است. بنابراین جمع بندی اولیه می‌کنم.

۱-خواست من از این نامه نگاری در مرحله اول در آغاز فتنه ۱۴۰۱ این بود که روزنامه شرق و رسانه‌های مشابه آن در این دام سخت فتنه ۱۴۰۱ دانسته یا ندانسته دچار نشوند و این تذکری برادرانه یا به تعبیر شما شهروندانه بود.

امروز ماهیت و ابعادی از این فتنه آشکار و شفاف شده و در آینده آشکارتر خواهد شد. این فتنه از درون کشور شکل نگرفت. آمریکا با واضحات صریح و تلویحی و حمایت همه جانبه سران هیئت حاکمه‌اش مانند بایدن، بلینکن، وندی شرم... و انگلیس بر اساس بیانیه وزارت خارجه‌اش درباره فتنه، صهیونیست‌ها و مکرون با اظهارات صریح او و بن سلمان سعودی با حمایت‌ها و شبکه اینترنت نشنال که به لحظه و در تمام شبانه روز در خدمت اغتشاشگران بود و آلمان و امثال آنها، بانیان و حامیان و کارگردانان اصلی هستند، آنها تمام تجهیزات براندازی و جنگ ترکیبی را به کار گرفتند و جان بولتون اعتراف کرد که اسلحه برای اغتشاشگران از کردستان عراق ارسال شده و می‌شود و البته از نقاط دیگر هم ارسال انواع اسلحه‌ها انجام شد.

به کارگیری همه گروه‌های رسوا شده در این سال‌ها که نمونه بارز آن سفر پمپئو، وزیر خارجه دولت ترامپ به آلبانی و حضور در جمع منافقین بدیختی که تحت حمایت امپریالیسم آمریکای زندگی نکبت‌باری را می‌گذرانند و جنایت داعش در حمله به حرم حضرت سیداحمد بن موسی در شیراز و قتل عام زائران و نمازگزاران و همراهی مزدوران الاجوازیه و به ظاهر بلوچ... که البته مورد توجه ویژه بی‌بی‌سی و سی‌ان‌ان و اینترنت نشنال و رسانه‌های ضدانقلاب با مزدوران غرب مانند من و تو... بودند و نیز آموزش و تجهیز افراد پک ک و کومله و دمکرات در کردستان عراق و سایر موارد، تنها گوشه‌ای از این فتنه اخیر بود.

آیا دیگر کسی هست تردید داشته باشد که این فتنه یک برنامه‌ریزی و توطئه چندجانبه از طرف دشمنان اسلام و ایران و پسمانده‌های متعصب

روزنامه شرق چهارمین گفت و گوی مکتوب دکتر اسدالله بادامچیان دبیر کل حزب مؤتلفه اسلامی و مهدی رحمانیان مدیرمسئول روزنامه شرق را منتشر کرده است.

اگرچه شاید بشود گفت در انتشار عکس دبیر کل حزب مؤتلفه اسلامی اخلاق را رعایت نکرده و با نگاه غیر حرفه‌ای عکسی را منتشر کرده، اما در توضیح انتشار این گفت و گوی مکتوب نوشته است: در چند ماه گذشته گفت و گوی مکتوبی میان اسدالله بادامچیان (دبیر کل حزب مؤتلفه اسلامی) و مهدی رحمانیان (مدیرمسئول روزنامه شرق) شکل گرفته است که فارغ از پیامدها با ضریب نفوذی که در جامعه ایجاد کرده، بدون تعارف موجب شادمانی ما شده است تا بر خود ببالیم که درست در روزگاری که توسعه ایرانی به دلیل سختی‌ها و دشواری‌های متعدد بیش از هر زمان دیگری به گفت و گو نیاز دارد، «شرق» توانست میزبان تعاملی باشد که قصد و نگاهش عبور از موانع برای همزیستی مسالمت‌آمیز است. بی‌درنگ باید قدردان لحظاتی بود که مملو از گفت و گو می‌شوند؛ هر چند این لحظات اندک باشند یا نتوانند آن طور که باید روح گفت و گو را در کالبد نیازمندی‌های زندگی بدمند. همین که همراهی و همفکری و هم‌سخنی برای فردای بهتر شکل بگیرد، قطعاً اتفاق مبارکی رخ داده است که باید به نقش آن در ساختن فردایی بهتر ایمان داشت. درست از همین منظر نیز باید تقاضا کرد تا همه دست‌اندر کاران ساخت جامعه در ایران پیگیر گفت و گو باشند و سهم خود را در ایجاد فضای تعامل گسترده کنند. گفت و گوی اسدالله بادامچیان و مهدی رحمانیان برای «شرق» نخستین قدم در ایفای نقش اجتماعی این روزنامه در شکل دادن به نیاز ملی گفت و گو است، این نقش زمانی می‌تواند یک یادگار مولد برای نسل‌های آینده باشد که هم صاحبان اندیشه و هم شهروندان گرامی از هر طیف فکری ما را در بسط حیطه گفت و گو یاری دهند. مطلب حاضر که در ادامه منتشر می‌شود نیز برای ما یک سکوی پرتاب به دقایق بزرگ‌تری از تعامل محسوب می‌شود. امید داریم که این هم‌سخنی با حضور شما مخاطبان گرامی گرم‌تر شود.

\*\*\*\*\*

متن کامل چهارمین گفت و گوی مکتوب دبیر کل حزب مؤتلفه اسلامی و مدیرمسئول روزنامه شرق را پیش رو دارید:

**بادامچیان:**

**جریان اصلاح طلبی مرده است و به موزه تاریخ می‌پیوندد  
جناب آقای رحمانیان  
با سلام و احترام**

از پاسخ به نامه سوم تشکر دارم. از اینکه خواسته‌اید مباحث ما بتواند اتفاقی مولد و راهبردی را رقم بزنند. این همان دلیل اصلی نامه من به شماست به امید اینکه همین اتفاق رخ دهد والا گفت و گو برای گفت و گو و مذاکره برای مذاکره و اصرار به مواضع قبلی کار را به جدال می‌کشاند که از نظر اسلام پسندیده نیست. مهم پیگیری اهداف صحیح و دستیابی به نتایج مطلوب است.

گفته‌اید در اندیشه خود نسبت به «شرق» واکاوی کنیم، معتمد انسان در همه امور اگر بخواهد دچار جمود و تحجر و کزروی خودپوارانه نشود به واکاوی مستمر بر محور حق و ارزش‌ها نیاز دارد. البته واکاوی بدون اتکا به مبانی و موازن سردرگمی می‌آورد. واکاوی یک روزنامه کار دشواری نیست، ولی در نظر من «شرق» یک روزنامه نیست. «شرق» بازتاب تفکر یک جناح در یک جریان سیاسی است که اهداف و اغراض و تفکر و فرهنگ این جناح و جریان را پیگیری می‌کند و ارائه می‌دهد. جریانی که عنوان اصلاحات و اصلاح طلبی را با مجموعه‌ای که همراه دارد برای خود دارد.

جریان اصلاح طلبی به صورت یک طیف است؛ از افراطی‌ها تا اعتدالیون و از عناصر ساکن خارج از ایران و داخل ایران و سلیقه‌های متفاوت و منافع گوناگون، در مدت زمان کوتاهی این طیف به صورت یک طیف منسجم جلوه می‌کرد و حالا بسیاری می‌دانند که به صورت یک طیف تجزیه شده و در حال تجزیه شدن و در حد فروپاشی و رفتن به موزه تاریخ است. با این همه روزنامه شرق را باز هم واکاوی می‌کنم. شما هم به این واکاوی کمک کنید.



گر و هک های

باقی مانده منافق و ملحد و مزدور و خودفروخته به استیکبار و استعمار غرب است؟

شعار این فتنه یک شعار مبهم و مکارانه است «زن، زندگی، آزادی» آیا واژه زن به تنهایی چه پیامی دارد؟ زن در اسلام با مرد یک پیکره واحدند و از نفس واحد و آرامش بخش به یکدیگرند. این شیطان ضد خداست که زن را از مرد جدا و تحقیر می کند. آن را ابزار شهوات می نماید و ارزش زهر و زینب گونگی را مورد حمله قرار می دهد.

یا زندگی، به چه مفهومی؟ در برابر زندگی، واژه مرگ است. مگر کسی به جای زندگی، مرگ را در جامعه مطرح کرده بود که حالا عده ای در پی زندگی باشند؟ و آزادی که این اغتشاشگران و حامیان آنها در نهایت آزادی مرگ بر دیکتاتور گفتند و فضای آزادی را کوشیدند به فضای بسته تبدیل کنند که نتوانستند و نمی توانند. حالا که فتنه به شدت شکست خورده و حامیان و کارگردانان و مزدوران و خائنان و اغتشاشگران و عناصر فتنه گر رسوا شده و در حال رسوایی شدیدتری هستند، صاحبان نگرش صحیح سیاسی به این شعار ناشیانه می خندند و البته به حیلہ گران و مکاران که خواستند با ابهام مقاصد شیطانی پنهان شده در این شعار را پیش ببرند، یوزخند می زنند. در این فتنه دشمنان اسلام و استقلال و آزادی ایران مقتدر در پی براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران بودند تا بتوانند دوباره به غارت و سرقت نفت و گاز و معادن و ثروت های ملی ایران دست یابند، اما از نظر تحلیل سیاسی بر نامه آنها به شدت احمقانه بود؛ یعنی از نظر حماقت در اوج قرار داشت.

واحمقانه ترین آن در بازی فوتبال ایران و انگلیس به اجرا درآمد وقتی تمام ملت خواهان پیروزی تیم ایران در جام جهانی و به طور طبیعی مردم انگلستان خواهان پیروزی تیم انگلیس بودند. با شکست تیم ایران کارگردانان توطئه و رسانه های حامی اغتشاشگران هماهنگ با انگلیسی ها شادی کردند و تعدادی مسخ شده (الینه شده) پرچم انگلیس را بر پوش انداختند و به ملت بزرگ که احساسات میهنی اش جریحه دار شده بود دهن کجی کردند. آیا احمقانه تر از این اقدام را می توان سراغ داشت؟

پاسخ ملت در برابر این حماقت خائنه و ذلیلانه را در شادی سراسری کشور پس از پیروزی در مسابقه با ولز می توان دید. در این فتنه ده ها سیجی و نیروی حافظ امنیت ملی کشور شهید شده اند. دستور قتل آنها را چه کسی یا کسانی داده اند؟ تعدادی را ترور کرده اند؛ امام جماعت مسجد شیعیان در زاهدان چه گناهی داشت که باید ترور شود؟ نقشه ترور و دستور اجرایی آن و اسلحه برای ترور را چه کسی به عاملان ترور و تروریست ها داده است.

نتیجه این فتنه و همه اقدامات اغتشاشگران و حامیان آنها چه بود؟ کشته شدن بیگناهان و مجروح و معلول شدن ها و آتش زدن اموال عمومی و مردم و اکنون عده ای جاهل و ابزار دست فتنه گران که مرتکب جنایت و ترور و آدم کشی شده اند در معرض اعدام و زندان هستند و فتنه و فتنه گران به شکست قطعی رسیده اند و حامیان این فتنه بی آبرو شده اند و محکوم بودن در وجدان عمومی و رسوایی خائنان و خودفروخته ها معلوم می دارد. از بینش سیاسی صحیح خیلی فاصله داشته اند، این تحلیل من است. خوشحال خواهیم بود که تحلیل شما را هم از فتنه اخیر بدانم. ممکن است شما و همفکران شما و اصلاح طلبان از تحلیل من ناراحت شوید. این یک دیدگاه است و شما می توانید آن را قبول نداشته باشید و می توانید تحلیل خود را هر طور می خواهید بیان نمایید. من نمی خواهم برای عملکرد «شرق» و مجموعه و وابسته به آن یا جریانی که «شرق» به آن وابسته است در این فتنه نظر بدهم، خودتان ارزیابی کنید اگر نگرش تحلیلی گرانه آنها را قبول کردید که معتقدید برترین خطا و اشتباه را اصلاح طلبان در این فتنه انجام داده اند، آن را جبران نمایید.

دومین هدف من آگاهی بایب طیف مشهور به اصلاح طلب است از نگاه خیر خواهانه برای اینکه این طیف در خط نظام و ایران و ملت قرار گیرد و به جای مسیر غلط و خطا و اشتباهی که قبل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و پس از تأسیس نظام جمهوری اسلامی ایران که بر محور ولایت و ارزش های اسلامی شکل گرفته، طی کرده است، مسیر دیگری در پیش گیرد. جریان اصلاحات و اصلاح طلبان در این چهار دهه با انقلاب و نظام اسلامی مسئله داشته اند و کارشان به جایی رسیده که امید برای غرب شدند و حمایت های جدی سران استیکبار و نظر مساعد آنها را شاهد بوده ایم و در فتنه حمایت آنها را همه مشاهده کردند. جریان اصلاحات، چه جریان دوم خرداد چه اعتدالی و هر عنوان دیگر بر اساس معنا و مفهوم اصلاح امور خواهی و مصلح بودن نیست. یک واژه وارداتی است که غرب زدگی و نگرش آلوده به غرب استعماری و جایگزینی آن به جای تمدن شکوهمند ایرانی و اسلامی را در نظر دارد؛ لذا فراماسونرها و قلم به دستان غربگرا از دوران قاجار در باره این اصلاحات و واژه های غربی مثل دموکراسی (به جای آزادی و حکومتی مردمی) و دموکراتیک و حتی جامعه مدنی به جای جامعه ملی و جامعه اسلامی قلم زده اند و مفاهیم غربی را ترویج نموده و همه مبانی هویتی تمدن و فرهنگ ایران و ایرانی را تحقیر کرده و ارتجاعی و فاقد مبانی علمی دانسته اند و در واقع مروج فرهنگ غرب و هویت غربی در ایران بوده اند که شعار مشهور تقی زاده، فراماسونر خائن و وزیر رضاخان دیکتاتور نهایت آن است که ایرانی اگر بخواهد تمدن شود، باید از موی سر تا ناخن پافرنگی یعنی غربی شود.

در مشروطه خیانت غربگراها بود که عامل اصلی شکست نهضت اسلامی شد. آنها بودند که مردم ساده را به سفارت انگلیس استعمارگر بردند و قانون اساسی غریزه تقلیدی از بلژیک و انگلیس را بر ایران تحمیل کردند و حکم مظفرالدین شاه در عنوان مجلس شورای اسلامی را به مجلس شورای ملی تغییر دادند و نظام حکومتی ارتجاعی مشروطه سلطنتی انگلستان را بر ایران حاکم ساختند و اختلافات را دامن زدند.

عامل ترور ستارخان و سیدعبدالله بهمانی و اعدام حاج شیخ فضل الله نوری شدند و در نهایت از سیدضیاء طباطبایی مزدور انگلیس و کودتای او و سپس کودتای رضاخان نوکر و جلاد و دیکتاتور و ضد ایران و ضد اسلام حمایت نمودند و رضاخان نیز واژه اصلاحات را به کار گرفت. پس از رضاخان نیز غربگرایان و غرب زده ها در دوران محمدرضا شاه در اجرای نقشه آمریکایی کندی در اصلاحات ارضی و... و اصلاحات آمریکایی ملوکانه باز همین واژه اصلاحات را مطرح و اجرا نمودند که ملت به رهبری امام خمینی به پا خاست و خط «نه شرقی نه غربی جمهوری اسلامی» و آزادی - استقلال را پیروز و حاکم کرد.

در جریان شکل گیری نظام پس از پیروزی انقلاب اسلامی، غرب زده ها و غربگرایان مذهبی در پی قانون اساسی غرب زده و مجلس مؤسسان بودند که امام با تشکیل مجلس خبرنگاران آن را کنار گذاشت و شعار جمهوری دموکراتیک اسلامی که شعار بازرگان و نهضت آزادی و جبهه ملی بود به جایی نرسید. امام بازرگان را به دولت موقت منصوب کرد اما بازرگان به جای اجرای خواست امام علیرغم تصریح امام، خط غرب زده را به کار گرفت. با امام جز به ناچار همراهی نکرد که این مطالب را خودش در مصاحبه با حامد الگار و اوریا فالاجی تصریح می کند. دولت موقت و همه خطوط غرب زده و چپ زده در برابر اصل ولایت فقیه کوشیدند این اصل به تصویب نرسد یا به شکل دیگری اجرا گردد. بعد همین مجموعه در ۱۴ اسفند در نمایش دیکتاتوری مهره وابسته به غرب یعنی بنی صدر در دانشگاه تهران آشکار عمل و شرکت کرد. خط بنی صدر و قطب زاده و لیبرال ها همه در سال ۶۰ با منافقین و گروهک ها همراه شدند و شکست خوردند و در حمایت همه جانبه آمریکا بنی صدر و رجوی و دو عامل انفجار هفتم تیر و هشتم شهریور کشمیری و کلاهی با هوایمای شاه به خلبانی معزی، غیرقانونی از ایران گریختند و از فضای تیره و کشورهای سر راه تا فرانسه با پشتیبانی آمریکا و غرب عبور کرده در فرانسه مزدور آنها شدند، سپس که این همه جنایت علنی شد آنها که خط عوض کردند نظام با آنها مدارا کرد تا در دوم خرداد ۷۶ رسماً به عنوان اصلاحات به صحنه آمدند. هزاران عزیز را حذف کردند که چرا پیام دوم خرداد را نفهمیده اید؟ ولی هیچ گاه این پیام را شفاف نکردند و تعریفی از اصلاحات ارائه ندادند. اصلاحاتی ها و اصلاح طلبان در دولت آقای سیدمحمد خاتمی و دولت آقای حسن روحانی و در مجالس سوم و ششم آن چنان بد عمل کردند که امروز مشکلات اقتصادی و فرهنگی جامعه نتایج عملکرد و رویکرد آنهاست. قیمت دلار را به ۳۰ هزار تومان رساندند و مسکن را به نقطه غیر قابل دسترسی در مترمربعی ده ها و بعضاً چند صد میلیون تومان رساندند و اینها همه کار دولت اصلاح طلبان اعتدالی است که مردم هنوز هم درگیر آن هستند. منفعل بودن در برابر غرب و ۳۰۳۰ - و برجام و FATF و گره زدن همه امور حتی معالجه کرونا تا روزی ۷۰۰ فوتی و چشم امید به غربی ها دلیل فشل بودن آنها در سیاست خارجی و روابط بین الملل است. و بالاخره محدود بودن در طیف اصلاح طلب، دوری مردم از آنها را رقم زد. نتیجه آن در آرای چهره های مشهور اصلاح طلبان در تهران و شهرستان ها در انتخابات مجلس یازدهم معلوم شد که شورای نگهبان آنها را تأیید کرده بود و رأی اندک آنها علیرغم همه تبلیغات و وسیع نشانه برگشت مردم از اصلاح طلبی و اصلاح طلبان است. در فتنه و اغتشاش هم اصلاح طلبان کاملاً مردود شدند و از این پس زیر بمباران سؤال های مردمی در باره موضوعشان به سقوط نهایی می رسند؛ همان طوری که اصلاحات و جریان اصلاح طلبی از نظر سیاسی

و مردمی، مرده است و اینها هم به موزه تاریخ می پیوندند. من اینها را برای دفاع از طیف اصولگرا نمی گویم، زیرا بنظر من اصلاح به معنای واقعی و تغییر در جهت صلاح است. والا صعود و سقوط سیاسی اصلاح طلبان به نفع و ضرر بنده و حزب مؤتلفه اسلامی نیست. در جهت خیر اندیشی می گویم، زیرا عمیقاً و بر حسب تجربه ۶۰ ساله کار سیاسی، اصلاح طلبان را دچار سردرگمی و فشارهای روحی و اجتماعی و نوعی سرخورگی آسیب آور می یابم. که اگر خود را نیابند و به فطرت خویشتن خویش مراجعه نکنند - (به تعبیر قرآن فرجوا علی انفسهم) و به تعبیر دکتر شریعتی بازگشت به خویشتن خویش) نداشته باشند، در سرنوشت خودشان و خانواده و فرزندان شان دچار مشکلات فراوان می شوند و من وظیفه شرعی و سیاسی و اجتماعی و وجدانی خود می یابم که بنظر من به این طیف عرضه بدارم؛ خواه متذکر شده و چاره کنند یا مرا متوجه اشتباه در تحلیلیم نمایند. و یا بخشی از آنها به تعصب و لجاج دچار شوند و علیه بنده موضع گیری کنند. چه خود راهی و مسیری دیگر در پیش بگیرند. وقتی آقای احمد زیدآبادی می گوید به خاطر فحاشی چارواداری و تهدید به تجاوز جنسی از طرف اصلاحاتی نشینان کانادایی برای همیشه از سیاست خداحافظی می کند. این برای اصلاح طلبان نقطه سیاهی است و برای او هم مسیر غلطی است. او باید به علاج و چاره اقدام کند. پاک کردن صورت مسئله حل مسئله نیست. ایجاد یک سلسله مسائل غلط آسیب آور است. من پس از پایان دو دوره ریاست جمهوری به آقای سیدمحمد خاتمی گفتم نظام ها کسی که دو دوره رئیس جمهوری بوده را کنار نمی گذارند و در حاشیه استفاده می کنند، شما طوری عمل کنید که نظام و رهبری بتواند از شما با همین سلیقه و جریان و نگرش استفاده کنند. متأسفانه اصلاح طلبان طوری عمل کردند و او هم تابع آنها شد که امروز جایی و جایگاهی ندارد، من در سال های گذشته به جای برخورد و درگیری با این طیف همواره تحلیلم را گفته و برای آنها خیر خواهی داشته ام و دارم. و این نامه نگاری هم برای عرضه نظراتم برای طیف اصلاح طلب است که با بسیاری از آنها رابطه دوستی دارم و از شما که کمک

می شود، نه یک پیروزی که چنین خرسند از آن سخن می گوید. به هر حال، تأکیدی کم که روزنامه «شرق» رسانه مستقلی است که کفالت هیچ جریان سیاسی را بر عهده ندارد.

سه: سپاسگزاریم که از سر خیرخواهی و نه سیاست توری در مقام گفت و گو برآمدید، اما دوری از سیاست توری یا تکیه بر خیراندیشی نیز باید در رفتار و گفتار به چشم آید. مثل مرحوم عسگر اولادی که از بزرگان جریان اصولگرایی و حزب مؤتلفه اسلامی بود، اما به نظر می رسد منش این پیر و استاد سیاست در مهرورزی، مخصوصاً در سال های پایان زندگی شریفشان را در خاطر ندارد. به سخن مولای متقیان (ع) خطاب به مالک نیز اشاره کرده اید که حضرت فرمودند جانت را از محبت مردم لبریز کن و بعد خاطر نشان کرده اید که منش شما هم پیروی از همین اندیشه الهی حضرت امیر (ع) است اما با فاصله تیغ از نیام بر کشیده اید و همه را در تباط و حوادث اخیر هم راستا با دشمنان، تروریست ها، صهیونیست ها و منافقین ارزیابی و تحلیل کرده اید.

جناب بادامچیجان عزیز! شما و برخی از هم جناحی های محترم تان که دائم از فتنه سخن می گوید، در مقام تشخیص فتنه نیستید. اگر مقام معظم رهبری می گوید جایگاه اندیشه و درایت ایشان با شما متفاوت است، معنای گفتار ایشان این نیست که شما به عنوان کنشگر سیاسی دیگر دست به هیچ تحلیل و آسیب شناسی ملی نزنید و از وظیفه خود برای ایجاد آرامش و رفع موانع ساختاری توسعه غفلت کنید. تمام سخنان شما و برخی دوستانتان حول محور فتنه شکل گرفته و یادآوری نبرنگ دشمنان و منافقین که گاهی متأسفانه این سخنان را به دوستان و دلسوزان هم نسبت می دهید و اسم آن را هم تحلیل شخصی می گذارید. ما جز همان الفاظ سیاسی که از فرط تکرار در سخنان شما و دوستان سیاسی تان شنیدنشان تبدیل به عادت شده است، تحلیلی ندیده ایم. قطعاً کسی در دیوبستی منافقین و دشمنان شکی ندارد و نمی توان چهره آلوده آنها را پاک کرد؛ اما در شکل گرفتن حوادث اخیر ما چقدر مسئول و صاحب نقش هستیم؟ ما چه کردیم و چه باید می کردیم تا دشمن نتواند چنین رخنه کند؟ مسئله اینجاست که رویکرد غلبه بر ذهن شما و همراهان سیاسی تان برای حذف رقبای داخلی، کار را به جایی رسانده است که انگار به چیز دیگری نمی اندیشید. به عبارت دیگر، خود را آسوده کرده اید و به همه انگ فتنه می زنید یا با الفاظی سیاسی می خواهید از زیر بار مسئولیت ملی شان خالی کنید. می گیری و چرخاندن انگشت اتهام به سوی مخالفان یا منتقدان شما به معنای تحلیل نیست. از سخنان شما این گونه برمی آید که اصلاح طلبان را عامل حوادث اخیر می دانید. می شود این ادعا را مطرح کرد اما اگر واقعاً خیراندیش هستید، به این پرسش هم بیندیشید که اگر بیش از دو دهه یک جریان سیاسی تمام قدرت خود را برای حذف اصلاح طلبی به کار نمی گرفت و نیروی خود را صرف توسعه کشور می کرد، امروز این حوادث به وقوع می پیوست؟

چهار: جناب بادامچیجان عزیز! به گمانم ادامه بحث های تکراری که مردم را خسته و دلگیر از جناحین سیاسی کرده است، نه تنها هیچ دردی را دوا نمی کند، بلکه این خلط مبحث، مشکلات دیگری را نیز به بار می آورد. در نامه اخیرتان در صد برآمدید تا از همه عناصر تاریخی و مؤلفه های موجود برای گناهکار جلوه دادن منتقدان خود و جریان سیاسی که به آن تعلق دارید، استفاده کنید و در این مسیر تا آنجا پیش رفته اید که گویا غیر مستقیم کلیت نظام جمهوری اسلامی را نیز با چالش مواجه کرده اید. جنایتکاران سیاسی و منافقین را به خط کرده اید، بعد فرموده اید آنها که خط عوض کردند، به خاطر مدارای نظام، دوم خرداد ۷۶ را آفریدند. تقاضای کم برای رعایت انصاف، قبل از واکاوی دقیق تر «شرق»، سخنان خود را واکاوی کنید. قرار ما این نبود که در این گفت و گو عصبانیت و خشم خود را از جناحین سیاسی، حتی به قیمت توهین به ارزش های عمومی و ملی مردم ایران بر ما کنیم. به همین خاطر از پرداختن به سایر مواضع شما که در یک راستا و برای تقابل سیاسی با منتقدان جناح شما مطرح شده اند، پرهیز می کنم و یک بار دیگر تقاضا دارم دلگیری های خود از اصلاح طلبان را با آنها در میان بگذارید؛ چرا که آنها نمایانگی به ما نداده اند که به جای شان سخن بگوییم. ما به عنوان رسانه ای مستقل، با افتخار در ایران، برای توسعه ایران، مبتنی بر قوانین و وقایع عمومی و تحمل پذیری موجود فعالیت می کنیم. تقاضای من اندیشیدن به گفت و گو مولد و راهبردی برای کمک به مدیران و دست اندر کاران اجرائی کشور است. ما امروز بیش از هر چیز دیگری به این همراهی و هم اندیشی نیاز داریم. در سال های گذشته به اندازه کافی جناح های سیاسی برای سهم بیشتر از قدرت اجرائی با یکدیگر مقابله کرده اند. اکنون نیز بعد از عبور از آن همه تقابل سیاسی، در حال تجربه قدرت یکدست شده اجرائی کشور هستیم. امیدوارم گفت و گو ما ادامه یابد و حتی سایر کنشگران سیاسی و اجتماعی نیز در این گفت و گو حضور یابند. پیشنهاد می کنم اگر موافقت برای شکل گیری گفت و گو مولد و راهبردی به پرسش های زیر بیندیشیم:

۱- آیا تجربه قدرت اجرائی یکدست برای برطرف کردن مشکلات اقتصادی مردم و معضلات تولید، تجربه موفقی بوده است؟ اگر موفق نبوده، با چه راهبردی می توان به دولتی ها و سایر نیروهای اجرائی یکدست با استفاده از پتانسیل عمومی کشور کمک کرد؟

۲- آیا تلاش بی وقفه برخی جریان های سیاسی در سال های گذشته برای مقابله با هر نوع اصلاح گری به نقطه مطلوبی رسیده است؟ نتایج این تقابل چه بوده است؟ ارزیابی و سنجش این تقابل برای گسترش دامنه گفت و گو و همراهی های ملی برای ارتقای توسعه کشور چه خواهد بود؟ چه جریان یا جناحی باید برای رفع این تقابل ها پیش قدم شود و راه این پیش قدم شدن چیست؟

۳- آیا بهتر نیست برای رونق، پیشرفت و توسعه ملی فرصت استفاده از نیروهای موجود در کشور را فراهم کنیم؟ به عبارتی به نظر شما امروز تا چه حد به تعریف دوباره شایسته گزینی و راه دستیابی به آن و برطرف کردن موانع شایسته گزینی نیاز داریم و برای این امر از کجا باید شروع کرد؟

با تشکر

مهدی رحمانیان

کردید و دو نامه و پاسخ ها را چاپ کردید، تشکر دارم، اگر نامه سوم و این نامه چهارم را نیز چاپ کنید با هم متشکر خواهیم بود.

در پایان، درباره همه پرسشی که مطرح کرده اید منعی در قانون اساسی وجود ندارد. ولی سازو کار خاصی خود را دارد و خلاف سازو کار قانون اساسی نمی شود همه پرسشی کرد. موضوع تذکرات و نظرات بنده و شما و دوستان من و جناب عالی از مواردی نیست که نیاز به همه پرسشی داشته باشد. درباره نظر سنجی هم نظر سنجی های گوناگونی در کشور صورت می گیرد و اعلام می شود. ما و شما هم در مسئولیت های اداره کشور نیستیم که نظر سنجی کشوری را ایجاد کند. ما از زمره آن کنشگران سیاسی که به اشتباه خود را سخنگوی مردم و نماینده تمام مردم با صاحب همه حقیقت زندگی اجتماعی در ایران می دانند نیستیم. نظر و تحلیل و برداشت خود را در حد خودمان حق داریم مطرح کنیم و می کنیم، اصرار بلاجهت هم نداریم. اما روزنامه شرق در مقالات متعدد نوبسندگانش، خود را نماینده مردم و بیان کننده نظرات تمام مردم مطرح می کند و نظر خود و گاه افکار ایشان را نظر مردم و ملت معرفی می کند. لطفاً به آنها همین تذکر را بدهید. خوشحالم که شما به تداوم این مکاتبات علاقه مند بودید و آن را با رویکرد و هدف و نتیجه مشخص مفید می دانید. من در این نامه به طور شفاف انگیزه و نظرات و مطالب خود را بیان کردم و قضاوت را بر عهده خوانندگان محترم می گذارم. از خداوند متعال غفران ذنوب و قصور، تقصیر و کوتاهی در ادای حقوق دیگران را استدعا و توفیق خدمات خالصانه و صادقانه در جهت ارزش های الهی و انسانی را برای همگان مسئلت دارم.

بادعای خیر

دکتر اسدالله بادامچیجان

مهدی رحمانیان:

دوران خطاب کردن منتقدان با الفاظ خاص گذشته است

به نام خدا

جناب آقای اسدالله بادامچیجان

دبیر کل محترم حزب مؤتلفه اسلامی

با سلام و احترام

یک: ابتدا از تأخیر در پاسخ نامه جناب عالی پوزش می خواهم و امید دارم در شرایط موجود که بیش از هر زمان دیگری گفت و گو می تواند التیام بخش رنج های اجتماعی باشد، هم سخنی ما به یک اتفاق تأثیر گذار و البته امکانی برای گسترش سطح گفت و گوی سیاسی و اجتماعی بدل شود. برای همین در متن قبل درخواست کردم گفت و گوهای مادر مسیری راهبردی و مولد قرار بگیرند. گفت و گوی مولد از نگاه من تلاش برای پرهیز از سخنان تکراری و فاقد کار کرد عملیاتی در راستای گوش دادن به نگاه های سیاسی و اجتماعی است؛ یعنی طرفین گفت و گو کوشش کنند هر بار محیط ذهنی خود را به گونه ای پیش برنده به سمتی هدایت کنند که نتیجه گفت و گوها راهکاری عملیاتی - عقلانی برای مواجهه با ناراستی ها و کژکار کردی هادر توسعه کشور ارائه دهد. به نظر می رسد دوران سخن گفتن از موضعی برتر و خطاب کردن همه منتقدان با الفاظی خاص گذشته باشد. اکنون باید فرض را بر این بگذاریم که زمان برای بیرون آمدن از چاله های بر سر راه رشد و پیشرفت اندک است و همه ما با هر رویکردی در داخل کشور باید در بستر گفت و گو به یک راهبرد مشترک ملی برای غلبه بر مشکلات و موانع دست یابیم. از این منظر، بنده پیشنهاد نظر سنجی را مطرح کردم، اما جناب عالی در انتهای نامه قبلی خود این پیشنهاد را مردود دانستید و به طعن و کنایه فرمودید که روزنامه «شرق» خود را نماینده مردم می داند. صورتی که اگر فقط همین نامه آخر خود را منصفانه مرور کنید، به وضوح خواهید دید که چه کسی در جایگاه خود حق بینی نشسته است و با کلامی حق به جانب از سوی مردم سخن می گوید. با این حال، همچنان امیدوارم به ضابطه های لازم برای یک گفت و گوی مولد دست یابیم. بنده در روند هم سخنی با شما، تمام تلاش خود را به کار خواهم بست تا این هدف محقق شود.

دو: در پاسخ به درخواست این جانب برای واکاوی دقیق تر «شرق» فرمودید که «شرق» روزنامه به معنای رایج نیست و به نوعی بازتاب دهنده افکار جریان اصلاحات و اصلاح طلبی است و سپس متذکر شدید که جریان اصلاحات در حال فروپاشی و رفتن به موزه تاریخ است. اتفاقاً با هم سخنان حضرت عالی نشان می دهد که «شرق» را با دقت نخوانده اید و احیاناً - که ان شاء الله این گونه نباشد - از این گفت و گوها هم می خواهید به عنوان یک فرصت برای تسویه حساب با اصلاح طلبان و ارائه شعارهای الوان جریان مطلوب سیاسی خود استفاده کنید. اگر «شرق» را واکاوی کرده بودید، هرگز نمی گفتید که ما صرفاً بازگو کننده افکار یک جریان سیاسی هستیم. «شرق» همواره روزنامه ای مستقل بوده است. داشتن خط مشی مبتنی بر اصلاح گری نیز به معنای وابستگی به یک جریان سیاسی نیست. اصلاح طلبی یک رویکرد دیرپا و ریشه دار است که در درازنای تاریخ قدم به قدم پیش آمده است. امروز حتی حضرت عالی و جریان سیاسی مطلوب شما نیز که بیش از دو دهه هر چه در توان داشته تا با اصلاح طلبی مقابله کند، از رقبای خود مباحث زیادی آموخته اید و گاه امروز بیش از اصلاح طلبان از برخی وجوه اصلاح طلبی سخن می گوید. تقبیح خود آگاه یا ناخود آگاه اصلاح طلبی برای حذف جریانی سیاسی، خطایی راهبردی در ایران امروز است؛ چرا که تمام ظواهر توسعه را به این دلیل که ماهیتی اصلاح گر دارند، مردود می کند. اگر بپذیریم که در کوران مقابله با اصلاح گری، جریان اصلاح طلب به تعبیر شما راهی موزه تاریخ شده، اتفاق خجسته ای در عرصه سیاست ملی رقم نخورده است؛ زیرا در دورانی که رسانه های بی هویت خارج نشین و دشمنان قسم خورده کشور آستین ها را بالا زده اند تا همه جریان های سیاسی را به حاشیه برانند، حذف کردن یک جریان دلسوز سیاسی که تاریخچه ای قابل اعتنا در انقلاب دارد، شکستی برای جریان سیاسی شما تلقی



سیاست‌های ترکیه در منطقه فراز و نشیب دارد

# لاسجردی: فرصت‌های اقتصادی تهران و آنکارا باید کشف شود

کارشناس مسائل بین‌الملل در مورد اقدامات موثر ایران در آنکارا در راستای توسعه تعاملات تجاری این دو کشور، گفت: سفارتخانه ما باید با شرکتهای بزرگ و تجار جلسه برگزار کند. فرصت‌های اقتصادی را کشف و بخش خصوصی را هم فعال کند تا بتواند دادوستد کند.

حسن لاسجردی، در گفتگو با خبرگزاری آنا، در خصوص موانع و علت پایین بودن سطح تعاملات تجاری کشورمان با ترکیه، با بیان اینکه قسمت اعظم موانعی که سر راه تعاملات این دو کشور وجود دارد بحث سیاسی است، گفت: اگر شما به سوابق روابط ایران و ترکیه نگاه کنید چشم‌اندازهای بسیار مناسبی طراحی شده، مثلاً بحث ۳۰ میلیارد دلار مطرح شده، یا بحث‌های کلان اقتصادی دوجانبه و چندجانبه و همچنین استفاده از ظرفیت‌های همدیگر برای حضور در بازارهای منطقه و فرامنطقه، اما آنچه که شاید خیلی باعث شدن توافقات به نتیجه نرسد، رقابت‌های سیاسی است که با یکدیگر دارند و این رقابت به طور حتم بخشی از پتانسیل آن‌ها را می‌گیرد.

وی افزود: دومین نکته که شاید خیلی مهم باشد کیفیت است. مادر کشورهای همسایه با ترکیه رقابت داریم؛ گاهی وقت‌ها ما موفق می‌شویم در بازارها شرکت کنیم و بعضی وقت‌ها ترکیه و خود این رقابت همراه با کیفیت و عدم کیفیت همراه است، این موضوع می‌تواند یک مقدار مناسبات ما را دچار چالش کند.

کارشناس مسائل بین‌الملل تأکید کرد: ترکیه‌ها سعی دارند با سیاست‌های متناوب و پرفراز و نشیب خود فرصت‌هایی را ایجاد کنند که این فرصت‌ها همیشه در دسترس ما نیست. مثلاً یک روز باسوریه دچار دشمنی هستند و یک روزی با عراق مناسبات کم دارند و روز دیگر مناسبات را اصلاح می‌کنند و از این فرصت استفاده می‌کنند؛ ما نتوانستیم تا کنون به ترکیه به عنوان یک شریک قابل اعتماد نگاه کنیم و بتوانیم روابط اقتصادی دراز مدت داشته باشیم.

لاسجردی بیان کرد: به نظر می‌رسد منازعاتی در منطقه در حال شکل‌گیری و ظهور است که ترکیه علاقه‌مند است به عنوان یکی از عناصر بازیگر نقش آفرینی کند. در جایی مثل سوریه، عراق و لبنان با ترکیه دچار چالش بودیم که سبب می‌شود این موضوع روی متغیرهای اقتصادی اثرش را بگذارد. وی در مورد اقدامات موثر سفارتخانه ایران در آنکارا در راستای توسعه تعاملات تجاری این دو کشور، اظهار کرد: سفارتخانه‌ها به عنوان چشم‌بینای نظام باید فعالیت کنند، با شرکتهای بزرگ و تجار جلسه برگزار کنند، فرصت‌های اقتصادی را کشف و بخش خصوصی را هم فعال کند تا بتواند دادوستد کند. کارشناس مسائل بین‌الملل در پایان خاطر نشان کرد: اگر چه سفارت‌خانه‌های ما در آنکارا و سفرا همیشه تلاش کردند فعال باشند، اما سایه رقابت‌های سیاسی نگذاشته است همه فرصت‌ها تبدیل به داده مناسب شود؛ اگر شما از سفیران مختلف پرسید شاید آن‌ها بتوانند مجموعه‌ای از فعالیت‌های خود را بیست کنند، اما درگیری‌های منطقه‌ای و رقابت‌ها نگذاشته آنچه که می‌خواهند در فکر و عمل پیاده کنند.

## قهرمان‌سازی از وزیر غیر قابل دفاع

روزنامه آرمان ملی در مطلبی با عنوان "ظریف وارد گود می‌شود" اوراناجی حل مشکلات ایران خواند و نوشت: "واقعیت آن است که ریشه مشکلاتی را که دولت با آن دست و پنجه نرم می‌کند، باید در گره کور روابط خارجی یعنی عدم بازرگانی به برجام خلاصه کرد. اروپایی‌هایی که در دولت روحانی اجازه ندادند ترامپ مکاتبه‌های مکرر علیه ایران را فعال کند، امروز در برابر ایران و در جبهه صهیونیست‌ها و امریکایی‌ها ایستاده‌اند. فرصت استفاده از ظرفیت اروپایی‌ها در این دولت از دست رفته است. تن‌ها یک فرد می‌تواند با ادبیات صلح‌طلبانه، دلسوزانه و با در نظر گرفتن منافع این دولت و منافع ملی به کمک دولت برسد. این فرد کسی جز محمدجواد ظریف نیست."

اروپایی‌هایی که روزنامه آرمان ملی ادعا می‌کند که در زمان دولت روحانی پشت ملت ایران بوده و اجازه ندادند ترامپ مکاتبه‌های مکرر علیه ایران را فعال کند، همان‌هایی هستند که پس از خروج امریکا از برجام، به تصریح آقای ظریف، یازده تعهد خود را نقض کردند و در تمام چند سال صبر و حوصله دولت روحانی، آن‌ها را بازی دادند و حتی به وعده‌های خود مبنی بر راه‌اندازی کانال اسپیی‌وی و اینستکس هم عمل نکردند.

ظریف اگر قادر بود گره‌ای از مشکلات کشور به واسطه‌ی روابط خارجی باز کند که هشت سال در رأس دستگاه خارجی کشور قرار داشت اما فشل بودن دیپلماسی اقتصادی، دیپلماسی انفعالی در مواجهه با امریکا و اروپایی‌ها، توجهی به مقوله بسیار مهم «نگاه به شرق» و... تنها بخش کوچکی از عملکرد ضعیف و غیرقابل دفاع ظریف در هشت سال ریاست او بر وزارت امور خارجه است.

متأسفانه دکتر ظریف در رویکردی خسارت‌بار، در مقابل گستاخی و عهدشکنی امریکا و اروپا با حسن ظن و اغماض و لاپوشانی و در یک کلام با «دیپلماسی انفعالی» مواجه می‌شود و در نهایت هم وقتی با اعتراض بدنه‌ی عمومی جامعه روبرو شود علی‌رغم وعده لغوی یک باره تحریم‌ها به واسطه برجام، بعدها آنرا انکار کرد و مدعی شد "هدف از برجام اصلاحات اقتصادی نبوده است!"

در مجموع در دوران ریاست ظریف بر وزارت خارجه، بی‌اعتنایی دستگاه دیپلماسی به سه اصل «عزت، حکمت و مصلحت» و بی‌توجهی وزارت خارجه به نقدهای دقیق و کارشناسی منتقدان و صاحب‌نظران،

شکست‌های پی‌درپی و تأسّف بر انگیزی را کارنامه سیاست خارجی دولت روحانی رقم زد. با این حال رسانه‌های اصلاح طلب سعی می‌کنند از او و سایر فعالین اصلاح طلب چهره‌های قهرمانی بسازند تا شاید بتوانند شناس خود را در انتخابات پیش رو افزایش دهند.

## موفقیت‌های کشور جایی در رسانه‌های اصلاح طلب ندارد

طیف موسوم به اصلاح طلب در رسانه‌هایشان تحریم‌های امریکا، القای ناامیدی از شرایط اقتصادی کشور، حمایت از اغتشاشگران و مظلوم‌نمایی برای آنها و... برای شان مهم است و آن‌ها را تیتیر یک می‌کنند. اما موفقیت‌های کشور، هیچ جایی در میان انبوه تیتیر و عکس‌های این رسانه‌ها ندارد!

متأسفانه برخی روزنامه‌ها و سایت‌های خبری منتسب به جریان اصلاح طلب هم همصدا و همراه با دشمن، با بیش فعالی به تولید محتوا ناامید کننده در مورد کشور می‌پردازند. برای نمونه، روزنامه شرق در نیم‌تای صفحه اول با تیتیرهایی از جمله «مسیر دودی مدرسه»، «شرایط بیخ اقتصادی»، «اعتیاد»، «قطع اینترنت»، «پولشویی» و... تالیبوی می‌بوس کنند. از کشور را به تصویر کشیده است.

منتقد بودن، نیاز کشور است. اما منتقد کسی است که ضعف و قوت‌ها را کنار هم می‌بیند و در بازتاب موفقیت‌های امیدوار کننده، بُخل نمی‌ورزد. این در حالی است که متأسفانه رسانه‌های اصلاح طلب هیچ‌گاه در صفحه‌ی اولیه‌ی خود اخبار مثبت کشور همچون «رکورد روزهای بدون فوتی کرونا»، «اقدامات مثبت اقتصادی دولت»، «محاکمه و مجازات مفسدان دانه درشت اقتصادی»، و... را منتشر نمی‌کنند.

نکته قابل تأمل اینجاست که مطالبی که در راستای سیاه‌نمایی اوضاع کشور توسط رسانه‌های اصلاح طلب انتشار می‌یابد عموماً با استقبال رسانه‌های معاند همراه شده و به صورت ویژه حد اکثری باز نشر داده می‌شوند.

به راستی چرا برخی فعالین مدعی اصلاحات که خود را دلسوز مردم و کشور می‌دانند دقیقاً همسویا دشمن، به سیاه‌نمایی از اوضاع کشور می‌پردازند و برای رسانه‌های بیگانه خوراکی تهیه می‌کنند؟! آن‌ها هم وضعی که مقصر اصلی آن دولت برآمده از جریان اصلاحات است.

## وزیر خارجه سابق آمریکانگران انتقام ایران

مایک پمپئو، یکی از طراحان ترور شهید سلیمانی در کتاب خاطراتش با عنوان «هرگز کوتاه نیامد مبارزه برای امریکایی که دوست دارم» فاش کرده است که او و خانواده‌اش با فرض احتمال انتقام ایران، زندگی عادی ندارند و ۲۴ ساعته تحت حفاظت هستند.

پمپئو با طرح اینکه همچنان انتظار انتقام جویی ایران را دارد، در کتابش نوشته است: "ایران توانایی انجام عملیات در داخل ایالات متحده آمریکا را دارد، لذا با وجود اینکه یک سال و نیم از ترک خدمت من می‌گذرد، من هنوز جزئیات مسائل امنیتی را رعایت می‌کنم. رفتن به یک فروشگاه، امنیت من را تحت الشعاع قرار می‌دهد تا بتوانم بررسی کنم کدام بادمجان رسیده‌تر است... من احتمالاً هرگز نتوانم با خودروی شخصی ام رانندگی کنم یا مانند سابق از حریم خصوصی ام لذت ببرم. اگر سوزان (همسر مایک پمپئو) تمایل داشته باشد موهای خود را مرتب کند، آن‌ها فقط می‌توانند امیدوار باشند سال‌ها زیبایی تحت کنترل نیروهای حزب‌الله نباشد یا اگر پسرم قصد از دواج داشته باشد، لازم است از قبل مأموران یک تیم برای بررسی وضعیت امنیتی به کلیسا اعزام کند"

هر چند عده‌ای گمان می‌کردند که طرح انتقام خون حاج قاسم تنها یک تاکتیک سیاسی و مقطعی از سوی کشورمان برای ترساندن آمریکا و اسرائیل است اما ایران ثابت کرد که مواضعش راهبردی و جدیست به گونه‌ای که طرف مقابل برای در امان ماندن خود حاضر است هزینه‌های گزاف کند و با وجود این هزینه‌ها هنوز همچون بیدر خود بلرزد.

آمریکا گمان می‌کرد که با شهادت حاج قاسم مواز نه قدرت تغییر کند اما روند نشان داد که اینگونه نیست و شهید سلیمانی برای دشمنانش خطرناک‌تر از سردار سلیمانی است.

اگرچه هرگز گمان نمی‌کرد ملت ایران و جبهه مقاومت اسلامی در کشورهای جهان تا این حد مجذوب و مسحور سلیمانی باشند و خون او کالبد جبهه مقاومت را قوی‌تر از گذشته کرده و «رمز برانگیختگی و بسیج مقاومت در دنیای اسلام» شود. اکنون نظام سلطه دست و پامی زدن تا زمانی که برای خود پهن کرده‌هایی باید. آنان از ترس انتقام سردار سلیمانی، حیات سیاسی و اجتماعی خود را در محاصره‌ی نیروهای امنیتی و در اتاق‌های پنهان سپری می‌کنند.

هر چند پمپئو سوم کتابش را «هرگز کوتاه‌نیا» گذاشته است اما طرفی که کوتاه نخواهد آمد جمهوری اسلامی ایران است. بی‌تردید، راه حاج قاسم که الگوی ستیز با نظام سلطه را به جبهه مقاومت آموخت با قدرت ادامه دارد و مهم‌تر آنکه نظام جمهوری اسلامی تا از آمران و مباشران و عاملان ترور سردار سلیمانی انتقام بگیرند، آرام نمی‌نشینند. همان‌گونه که رهبر معظم انقلاب فرمودند: "قاتل سلیمانی و آمر به قتل سلیمانی باید انتقام‌شان را پس بدهند؛ آن‌ها به جای خودش محفوظ است. اگر چه به گفته یک عزیز، کفش پای سلیمانی هم بر سر قاتل او شرف دارد و سر قاتل او هم برود، فدیه کش سلیمانی هم نمی‌شود؛ این هست اما بالاخره غلطی کردند؛ بایستی انتقام پس بدهند؛ هم‌اکنون قاتل بدانند که در هر زمان ممکن، هر وقت ممکن شد ما دنبال وقت ممکن هستیم. باید انتقام‌شان را پس بدهند"

• صاحب امتیاز: حزب مؤتلفه اسلامی  
 • مدیر مسئول: در حال تغییر مدیر مسئول  
 • سردبیر: حمیدرضا ترقی  
 • نمایر: ۸۸۳۴۳۸۲۱  
 • شماره پیام کوتاه: ۱۳۴۲۲۰۰۰  
 • سازمان توزیع: ۸۸۲۲۸۹۰  
 • گرافیک: احمد عبادی  
 • چاپ: دیجیتال ایران کهن  
 • تلفن: ۸۸۳۴۸۸۹۱-۲

## دکتر حداد عادل:

# مرحوم حبیبی در هر سنگری به دنبال قدم برداشتن برای نظام بود

در رشته جامعه‌شناسی تحصیل می‌کرد و این رشته هم به صورت خاص تعلق به تفکرات غربی داشت و در آن زمان نیروهای مذهبی سراغ این رشته‌ها نمی‌رفتند، در حالی که خطر از ناحیه این افکار بود و این خیلی مهم بود که آقای حبیبی به سراغ دیگر رشته‌ها نرفته بود و این جهان بینی را داشت که وارد این رشته شده و فعالیت کند.

وی افزود: مرحوم حبیبی تسلطی بر افکار مارکسیست‌ها داشت و مبارزه با مارکسیسم و کمونیسم را جزو وظایف خود می‌دانست و جوانان را در آن زمان از رفتن به سمت تفکرات التقاطی منافقین نجات می‌داد. حداد عادل خاطر نشان کرد: شما ببینید مسئولی که در سطوح بالا، مسئولیت‌های اجرایی داشته، استاندار چندین استان کشور و شهردار تهران از سال‌های ۶۲ تا ۶۶ بوده و کوله‌باری عظیم از انواع مسئولیت‌ها بر عهده داشته، می‌توان گفت که در تمام چهل سال مسئولیتش یک لکه سیاه در کارنامه مرحوم حبیبی



یادمان چهارمین سال در گذشت مرحوم محمدنبی حبیبی دبیر کل فقید حزب مؤتلفه اسلامی برگزار شد. در این مراسم دکتر حداد عادل عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام ضمن گرامیداشت یاد و خاطره مرحوم حبیبی، از روحیه انقلابی و ساده‌زیستی و ثابت قدم بودن مرحوم حبیبی در طول سال‌های پس از انقلاب سخن گفت.

حداد عادل خاطر نشان کرد: متأسفانه در این چند سال و روزهای کرونایی نشد مراسمی در خور، برای مرحوم حبیبی برگزار شود، اما امسال و در چهارمین سالگرد وفات ایشان، تشکر می‌کنم که این دوستان این مراسم را برگزار کردند.

وی در ادامه گفت: مرحوم حبیبی چهارده سال مستمر دبیر کلی حزب مؤتلفه را بر عهده داشت و در تمام این سال‌ها در راستای وحدت جریان انقلاب فعالیت می‌کرد.

حداد عادل با اشاره به خاطرات خود و مرحوم حبیبی، گفت: بنده با ایشان همکار نبودم، اما از ابتدای انقلاب



دیدم نشد و همه احزاب گواهی می‌دهند که ایشان حتی کوچکترین حاشیه نداشتند و بدون منفعت طلبی به دنبال خدمت بوده است.

وی با تأکید بر روحیه وحدت آفرین مرحوم حبیبی، گفت: در تمام سال‌های فعالیت سیاسی ایشان، هیچ صحتی که مخل وحدت باشد از ایشان نشنیدم و ندیدم و ما واقعا فقدان آقای حبیبی را به عنوان یک نیروی مؤثر، کاردان و وحدت‌بخش و خردمند و باتقوا این روزها به وضوح حس می‌کنیم.

حداد عادل در پایان خاطر نشان کرد: در روز گاری که همه دشمنان اسلام و وحدت پیدا کردند و علیه انقلاب اسلامی فعالیت می‌کنند، دوستان انقلاب که دیگر وظیفه‌شان هست که با یکدیگر وحدت کنند و ما آگه با هم باشیم به لطف الهی پیروز خواهیم شد.



آقای حبیبی را یک فرد انقلابی و مؤمن و جدی در کار می‌شناختم، از سال ۵۸ که ایشان معاون سیاسی استانداری شدند و تا آخر عمرشان ایشان در هر سنگری که بود به دنبال حل مشکلات و قدم برداشتن برای نظام بود.

وی اضافه کرد: در چند سال اخیر هم یعنی از سال ۹۵ که ما تصمیم گرفتیم یک مجمعی به نام جمنای درست کنیم، با آقای حبیبی ارتباط بیشتری پیدا کردیم، آقای حبیبی در شورای مرکزی جمنای حضور پیدا کردند و همیشه در تمام جلسات ثابت قدم بودند.

عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام در ادامه گفت: آقای حبیبی از دوران دانشجویی فعال انقلابی بود،



## واکنش میر سلیم به «تحریم» خود از سوی اتحادیه اروپا

# تحریم نمایندگان مجلسی توهینی به مردم است

مضحک است که البته باید عواقب طبیعی و متقابل آن را بپذیرند. عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام تأکید کرد: تحریم نمایندگان مجلس توهین به مردم است.

رئیس شورای مرکزی حزب مؤتلفه اسلامی در صفحه شخصی خود در فضای مجازی نوشت: ریشه تحریم‌های اتحادیه اروپا در بیچارگی آنها نسبت به انقلاب اسلامی است و نوعی اظهار وجود

سید مصطفی میر سلیم، نماینده مردم تهران در مجلس در واکنش به تحریم خود از سوی اتحادیه اروپا نوشت: تحریم نمایندگان مجلس توهین به مردم است.